



ایجاد باورهای کار آفرینی و خود اشتغالی

غفار رنجبر

کارشناسی ارشد تاریخ فلسفه آموزش و پرورش، از مدیران آموزش و پرورش شبیکوه فارس؛ ایران ghrfasa@gmail.com

چکیده

بی شک، روند توسعه اقتصادی در کشورهای توسعه یافته، بیان گر این واقعیت است که اقتصاد تحت تأثیر کارآفرینی است، به گونه ای که کارآفرینان در توسعه اقتصادی کشورهای توسعه یافته، نقش محوری داشته اند و سرمایه های در دست جامعه را کشف و از آن بهره برداری می کنند. این در حالی است که کشورهای توسعه نیافته اهمیت آن را در توسعه اقتصادی نادیده گرفته و به خاطر غفلت از این عنصر حیاتی، موجبات عقب ماندگی خود را فراهم نموده اند. تاریخچه توسعه اقتصادی در کشورهای توسعه یافته، مستنداتی برای حمایت از این واقعیت فراهم می آورد که اقتصاد، تحت تأثیر کارآفرینی است. شواهدی وجود دارد که نشان می دهد علت توسعه کشورهایی هم چون آمریکا، ژاپن و آلمان که از نظر صنعتی توسعه یافته اند، کارآفرینی است. کارآفرینی هم اکنون به عنوان یک حرفه ظهور کرده است و همانند دیگر حرفه ها باید توسعه یابد و از طریق برنامه های آموزشی و دانشگاهی خاص مبتنی بر مطالعات رفتاری و تجربی، پرورش پیدا کند؛ حال در این تحقیق سعی می شود با روش توصیفی تحلیلی و گردآوری منابع و اسناد کتابخانه ای به بررسی ایجاد باورهای کار آفرینی و خود اشتغالی پرداخته و درصد ارائه راهکارها و پیشنهادهای در راستای توسعه آن برآمدیم.

کلمات کلیدی: کار آفرینی، خود اشتغالی، باورهای

کار آفرینی

مقدمه

در برنامه ی سوم توسعه، ضرورت توجه به کارآفرینی و فعالیت های کارآفرینانه، بخشی از روند رو به توسعه ی نگرش کارآفرینی را قوام و تداوم بخشیده است. کارآفرینی، خلاقیت و کسب و کارهای خطر پذیر به عنوان سوخت موتور اقتصاد مدرن در نظر گرفته شده اند. کارآفرینان، همواره نقش مهمی در پیشرفت جوامع داشته اند. آنها در رأس کسب و کارها قرار گرفته، در جستجوی فرصت ها بوده و خلاقیت نیز ابزاری برای موفقیت آنها تلقی می شود. کارآفرینان، تغییر را یک پدیده معمولی می دانند، همیشه در جستجوی آن هستند، به آن واکنش نشان داده و از آن به عنوان یک فرصت استفاده می کنند (Dunphy, 1994, 1).

جامعه هستند. آنها از نظر رهبری، مدیریت، نوآوری، کارایی، ایجاد شغل، رقابت، بهره وری و تشکیل شرکت های جدید، سهم مهمی در رشد اقتصادی دارند. برخی معتقدند در جوامع امروزی، لازم است که انقلاب کارآفرینی رخ دهد. این انقلاب در قرن حاضر اهمیتی به مراتب بیشتر از اهمیت انقلاب صنعتی دارد (Kuratko & Hodgetts, 1989, 76).

افراد کارآفرین نقش مهمی در حرکت چرخ های توسعه اقتصادی برعهده دارند و منشاء تحولات بزرگ در زمینه های صنعتی، تولیدی و خدماتی در سطح سازمان ها محسوب می شوند (Duane, 2000, 236). سه دلیل مهم توجه به موضوع کارآفرینی، تولید ثروت، توسعه تکنولوژی و اشتغال مولد است. از مهم ترین محاسن راه اندازی شرکت های کارآفرینانه ایجاد اشتغال مولد است. زیرا به موجب یک اصل در مدیریت، اگر یک نفر مستقیماً به کاری مولد گمارده شود، به صورت غیر مستقیم برای حداقل سه نفر دیگر شغل ایجاد کرده است. ایجاد اشتغال مولد نیازمند شناسایی، خلق و استفاده از فرصت های کارآفرینی و اشتغال موجود در جامعه می باشد و از دلایل مهم توجه به کارآفرینی محسوب می گردد. کارآفرینی فرآیند اشتغال زایی و کسب سود از ترکیب ارزشمند منابع می باشد. اصطلاح کارآفرین به کسی اطلاق می شود که متعهد شود مخاطره های یک فعالیت اقتصادی را سازمان دهی، اداره و تقبل کند (Kuratko & Hodgetts, 2001, 163). در حالی وارد قرن بیست و یکم شده ایم که اقتصاد کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه با نیروی حیات آفرین کارآفرینی، از نو زنده شده است. کارآفرینی تبدیل به حرفه بسیار مهمی شده است و ما نیازمند هستیم نقش آن را در توسعه ظرفیت های انسانی درک کنیم (Shan et al., 2003). کارآفرینی حاصل برخورد ویژگی های فردی کارآفرینان با محیطی است که در آن نشو و نما یافته اند (Postigu, 2002). کارآفرینی موتور محرک توسعه و پیشرفت اقتصادی و ایجاد شغل و اصلاح اجتماع محسوب می شود (Gurol & Astan, 2006). کارآفرینان، افراد، گروه ها و یا مردمی هستند که کسب و کار جدیدی را تأسیس و اداره می کنند به گونه ای که حداقل برای بیش از یک نفر ایجاد اشتغال کنند (Kirkwood, 2007). یک کارآفرین با توجه به نیاز توفیق طلبی و با هدف بهبود عملکرد (رشد، سود و غیره) خود تحت شرایط چالشی و رقابتی، به تأسیس و اداره کردن یک